

شنبه‌های چالشی صبا، تریبونی آزاد برای اهالی فرهنگ و هنر

سینما چگونه می‌تواند بر فرهنگ کتابخوانی موثر باشد؟

سمیه خاتون
گفت و گو

روزنامه صبا چالش هفته گذشته خود را تاثیر رسانه ملی بر گسترش فرهنگ کتابخوانی گمارده بود و این هفته نیز به دلیل مهم بودن موضوع و مصادف شدن این هفته با هفته کتاب به تاثیر سینما بر ترویج فرهنگ کتابخوانی پرداخته است. همان طور که می‌دانید سینما یکی از مهم‌ترین ابزار تاثیرگذار بر فرهنگ عمومی یک جامعه است، در جوامع مدرن امروزی، فیلم‌های سینمایی به مثابه هنری تولید و اکران می‌شود که قرار است، فرهنگ و یا یک نوع از الگوی سبکی زندگی را ترویج دهند. عموم مردم با تماشای یک فیلم به صورت ناخودآگاه با شخصیت‌های آن همراه شده و تجربه زیسته قهرمان فیلم را در همزاد پنداری از آن خود می‌کنند. با مرور بر آثار سینمای کشورمان، می‌بینیم که بهترین آثار همواره مولد ذهن‌هایی بوده‌اند که حیاتی مستمرا در میان آثار مکتوب داشته‌اند. سینماگرانی که اثرشان در وابستگی و تنبیدی شدیدی با کتاب و حوزه ادبیات است. در سال‌های اخیر آمار نگران‌کننده‌ای درباره افت سرانه مطالعه به گوش می‌رسد؛ آماري که حکایت از فاصله گرفتن بیشتر و بیشتر مخاطب از کتاب و مقوله مطالعه دارد. با توجه به تاثیری که سینما بر فرهنگ جمعی جوامع دارد، در این پرونده به این موضوع خواهیم پرداخت که سینما چگونه می‌تواند بر فرهنگ کتابخوانی موثر باشد؟ با این سوال به سراغ برخی کارشناسان و هنرمندان در این حوزه رفته‌ایم، در ادامه با پاسخ اهالی هنر همراه صبا باشید.

سیدرضا صائمی (منتقد و پژوهشگر):

تعامل به معنای انکار هویت مستقل کتاب یا سینما نیست

شاید در نگاه اول، میان کتاب به‌عنوان یک رسانه مکتوب و سینما و تلویزیون به‌عنوان یک رسانه تصویری فاصله زیادی وجود داشته باشد یا حتی در یک نگاه آسیب‌شناختی به وضعیت کتابخوانی و مطالعه در جامعه ما بر این نکته تأکید شود که فرهنگ ما بیشتر یک فرهنگ شفاهی و شنیداری است و به همین دلیل است که شنیدن یک سخنرانی یا تماشای یک فیلم و سریال برای ایرانیان بیش از خواندن یک کتاب جذابیت دارد و آسان‌تر است. یا فراتر از این، برخی سینما و تلویزیون را به واسطه همزاد پنداری، تصویر، مانعی مهم در بسط فرهنگ کتابخوانی می‌دانند و مثلا از منظر مکتب فرانکفورتی، سینما و تلویزیون را ابزاری مؤثر در گسترش عوام‌زدگی می‌دانند که ذاتا با کتاب و مناسبات آن در تعارض است اما قطعاً میان این دو مدیوم فرهنگی و فرهنگ‌ساز، دیالکتیک روشمند و نمادینی تصور می‌شود که متأسفانه کمتر در سینما و تلویزیون ما مورد استفاده قرار گرفته است. در این تعامل رسانه‌ای شاید بهترین خدمت را همین رسانه‌های بصری به بسط فرهنگ کتابخوانی می‌کنند. این تمهید دست کم به ۲ صورت قابل بررسی و تحقیق است؛ یکی حضور کتاب در شمایل مختلف بصری و بازنمایی به شکل نشانه‌شناسی و باز تولید المان‌های مرتبط با آن و دیگری به واسطه اقتباس ادبی و استفاده از ادبیات داستانی در تولید آثار نمایشی. در شیوه اول کتاب و کتابخانه به‌عنوان یک عنصر و شیء تصویری می‌تواند در لوکیشن و میزانشن‌های فیلم و سریال مورد استفاده قرار بگیرد تا حضور در پس‌زمینه بصری فیلم و سریال، کتاب و مطالعه در پس‌زمینه ذهنی مخاطب نیز تثبیت شده و چه بسا در ضمیر ناخودآگاه او در یک فرایند زمانی به یک رفتار و عادت فرهنگی بدل شود. متأسفانه کمتر شاهد هستیم که از کتابخانه و کتاب در پس‌زمینه آثار نمایشی و در طراحی دکور و صحنه استفاده شود در حالی که همین تمهید ساده، واجد ظرفیت تأثیرگذاری بالایی است همچنان که حضور پررنگ تجملات و اشیای لوکس در فیلم و سریال‌های ایرانی در دو دهه اخیر در ایجاد تغییر و تحولاتی فزاینده در سبک زندگی ایرانی‌ها تأثیر زیادی داشته است. ضمن اینکه بخشی از فرهنگ مطالعه به توجه بر زیبایی‌شناختی این رفتار و جوانب آن برمی‌گردد؛ مثل شوق کشیدن نقاشی در کودکی که مداد رنگی تازه‌ای خریده است. امروزه حتی برای جذابیت بیشتر کتاب و افزایش میل به

خرید آن خلاقیت‌ها و نوآوری‌های جالبی در طراحی کتاب و به اصطلاح کتاب‌سازی انجام گرفته به گونه‌ای که فرم کتاب نیز واجد زیبایی و جذابیت‌های بصری باشد. قطعاً این تمهید در حوزه تصویر به تأثیرگذاری بیشتری دست می‌یابد و طیف بیشتری از مردم را متوجه خود می‌کند. ضمن اینکه قهرمانان سینمایی به دلیل تأثیر بر مخاطبان و ظرفیت‌های الگوپذیری می‌توانند در ترغیب دوستداران خود به کتاب مؤثر باشند. در حالی که ما کمتر شاهد فیلم و سریالی هستیم که قهرمان آن کتاب بخواند یا به مطالعه علاقه‌مند باشد. جالب اینکه حتی سریال‌های شخصیت‌محور ما که زندگی یک دانشمند را هم به تصویر می‌کشند، کمتر به این وجه از شخصیت آن می‌پردازند. البته استثناهایی نیز در این میان وجود دارد. مثلا، سریال «روشن تر از خاموشی» که به زندگی ملاصدرا می‌پرداخت به این بعد از شخصیت او اهمیت داده و تماشای این سریال میل به کتابخوانی و علم‌اندوزی را در مخاطب افزایش می‌دهد. تبدیل رمان و داستان به فیلم و تله‌فیلم یا سریال تلویزیونی مصداقی از پیوند مبارک ادبیات و سینماست که کتاب را با تصویر گره زده و در نهایت به رشد و باروری فرهنگ و تمدن کمک می‌کند. از سوی دیگر، بسیاری از فیلمنامه‌های خوب و فیلم‌های ماندگار نیز می‌توانند با تبدیل شدن به کتاب در ساحتی مکتوب باز تولید شده و به حیات خود ادامه دهند. البته هدف از این تعامل به معنای انکار هویت مستقل کتاب یا سینما نیست. این دو به‌عنوان ۲ موضوع مستقل فرهنگی، واجد کارکردهای ویژه خود هستند که هیچ کدام نمی‌توانند جایگزین یکدیگر شوند اما می‌توانند با قرار گرفتن در کنار هم فرصت و بستر فراخ‌تری برای تعالی یک انسان و جامعه فراهم کنند.